

اخلاق پزشکی و اهمیت آن در ایران باستان و اسلام

کاظم خدادوست^{۱*}، سیدفاضل حسینی^۱، محمدعلی محجل شجا^۲

مقاله‌ی مروری

چکیده

مهم‌ترین بحران زندگی اجتماعی انسان در دوران مختلف تاریخ بشر، مسأله‌ی اخلاق و نحوه‌ی سلوک انسان در جامعه با هم‌نوعان خود بوده است. هرچه زندگی انسان پیچیده‌تر می‌شود، مسأله‌ی اخلاق هم شکل پیچیده‌تری به خود گرفته و تعریف اخلاقی روابط انسان‌ها در جامعه مشکل‌تر و تشخیص مصادیق اخلاقی از غیراخلاقی دشوارتر می‌گردد. در جامعه‌ی پزشکی بحث اخلاق به دلیل اهمیت این حرفه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و حتی مباحث اخلاق پزشکی با عنوان medical ethics مباحث علمی بسیار جدی و گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. علت تأکید بر اهمیت اخلاق پزشکی اساساً به این خاطر است که مسائل آن فراتر از اخلاق عمومی است. در عرصه‌ی پزشکی این حکم صادق است که اساساً حرکت طب بر محور اخلاق بوده و پایه‌های آن بر مبانی اخلاقی استوار است. لذا در این مقاله سعی می‌شود دیدگاه مربوط به موضوع اخلاق پزشکی در ایران باستان و دوره‌ی اسلامی، نقش و اهمیت آن در جهت برخورد انسانی، شرافتمندانه و احترام‌آمیز مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به اهمیت و نقش اساسی علم اخلاق در حرفه‌ی پزشکی، باید اذعان داشت که در گذشته، شناخت و معرفت نسبت به حقایق در میان حکیمان محکم‌تر و افزون بر داشتن درجات بالای علمی، از منزلتی روحانی نیز بهره‌مند بودند. به همین نسبت نیز التزام آنان به اخلاق و معنویات کامل‌تر بوده و در حفظ ارزش‌های اخلاقی بسیار می‌کوشیدند و همانند پیشوایان دینی، الگویی شایسته بوده و مردم را به نیکی و نجابت، راهنمایی می‌کردند. افعال اخلاقی، اساسی‌ترین راه وصول به این مقصد هستند و رعایت معیارهای اخلاقی در پزشکی بسان خلعتی خواهد بود که پوشیدن آن زینده‌ی قامت همگی اطباست.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی، اسلام، ایران باستان، علم اخلاق

^۱ دانشجوی دکترای تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

^۲ پزشک و محقق

* نشانی: تبریز، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی تبریز، دانشکده‌ی دندان‌پزشکی، تلفن: ۰۴۱۱-۳۳۵۵۹۶۴

Email: khodadoosta@gmail.com

مقدمه

علم اخلاق در حرفه‌ی پزشکی، اهمیت و نقش اساسی دارد. این علم که باید‌ها و نبایدهای اخلاق پزشک را به او گوشزد می‌کند و شیوه‌ی رفتار با بیماران و همکاران را به او می‌آموزد، از مهم‌ترین بخش‌های علم و تعهد پزشکی به‌شمار می‌رود. حقیقت آن است که در گذشته، طبیبان افزون بر داشتن درجات بالایی علمی، از مقام و منزلتی روحانی و اخلاقی نیز بهره‌مند بودند. آن‌ها در حفظ مبانی و ارزش‌های اخلاقی بسیار می‌کوشیدند. لذا از جهت علمی و عملی، الگویی شایسته برای مردم به‌شمار می‌رفتند و مانند پیشوایان دینی همواره مردم را به نیکی، راستی، پاکی و نجابت، راهنمایی می‌کردند.

پیشرفت‌های علمی بشری زمانی برای نوع بشر مفید و ثمربخش است که از پشتوانه‌ی اخلاقی برخوردار باشد. علم و تخصص بدون بهره‌مندی از اخلاقیات پاسخگوی نیازهای فطری بشر نبوده و گاهی نقض غرض است، زیرا هر نوع پیشرفت باید دارای جهت و هدف باشد و اخلاق به پیشرفت علمی جهت و هدف می‌بخشد. پیشرفت علمی عاری از مکارم و سجایای اخلاقی حرکت در تاریکی است. اخلاق چراغ هدایت هر حرکت محسوب می‌شود.

لذا با توجه به معنی اخلاق که ریشه در خلق و خوی دارد و آن کیفیتی است نفسانی که باعث می‌شود افعالی که با آن کیفیت تناسب دارند، بی‌شک و تردید از انسان صادر شود. اخلاق با فضیلت و رذیلت همراه است اما در مورد اخلاق صرفاً صفات نیک به‌کار می‌رود.

مکارم اخلاقی وجه امتیاز و شرافت انسان است. ارزش هرانسان بستگی به انصاف و آراستگی او به سجایا و اخلاق حسنه دارد. هدف و فلسفه‌ی بعثت پیامبران الهی نیز تکامل اخلاق بشری بوده است. حاکمیت اخلاق کریمه در جوامع انسانی نیز نشانه‌ی تعالی و تمدن واقعی آن جامعه تلقی می‌شود.

اخلاق پزشکی علمی است که موضوع آن بررسی مجموعه‌ی آداب و رفتار پسندیده یا ناپسندیده‌ای است که صاحبان مشاغل پزشکی باید رعایت نمایند. تمام مسائل اخلاق پزشکی به‌نحو عام و جامع در علم اخلاق مورد بررسی قرار گرفته است و علم اخلاق پزشکی در واقع منطبق‌کننده‌ی روابط و رفتار صاحبان مشاغل پزشکی با کلیات اخلاق است (۱).

با توجه به جایگاه کرامت اخلاقی در دنیای پزشکی، مقاله‌ی حاضر با مروری بر تاریخچه‌ی اخلاق پزشکی در ایران باستان و اسلام، نقش، اهمیت و ارزش آن را در جهت برخورد انسانی، اخلاقی، عاطفی، شرافتمندانه و احترام‌آمیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش کار

به‌صورت مطالعه‌ی کتابخانه‌ای با الهام از کلام الله مجید و مروری بر فرمایشات و سنن نبی اکرم (ص)، برخی از احادیث ائمه‌ی اطهار (ع) و برخی از کتب حکمای طبی ایران اسلامی از جمله الحاوی رازی، قانون ابن سینا، ذخیره‌ی خوارزمشاهی سید اسماعیل جرجانی و پندنامه‌ی اهوایی مورد بررسی قرار گرفت.

بحث

جهت طرح موضوع مطروحه ضروری است به تاریخچه‌ی اخلاق پزشکی و اهمیت آن در دوران مختلف اشاره گردد:

الف - نگاهی به تاریخچه‌ی اخلاق پزشکی قبل از اسلام:

علم اخلاق یا ethics در دنیا تاریخچه‌ای طولانی با سابقه‌ی بیش از ۲۵۰۰ سال دارد. در قرون قبل از میلاد حضرت مسیح (ع)، فرهنگ یونانی و رومی که تحت تأثیر فرهنگ ایرانیان و تمدن شرق بود در غرب گسترش داشته است. در آن دوران به‌دلیل عدم گستردگی علوم، پزشکان معمولاً سایر علوم مانند فلسفه را نیز فرا می‌گرفتند، لذا تاریخچه‌ی اخلاق پزشکی با تاریخچه‌ی فلسفه در قرون قبل

پیوند خورده است. اما اخلاق پزشکی بیش از همه با اندیشه‌ها و تفکرات فلاسفه‌ی بزرگی چون سقراط (۴۷۰-۳۹۹ ق.م) افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م) و ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) در قرون چهارم و پنجم قبل از میلاد پیوند نزدیکی داشته است. این متفکران یونانی علم اخلاق را در کنار علم پزشکی فرا گرفته بودند و آن را به‌عنوان «هنر زیستن» و «مراقبت و مواظبت از نفس» توصیف می‌نمودند و از سوی دیگر «عقل سالم را در بدن سالم» می‌دانستند (۲). در همان دوران، بقراط (۴۵۰-۳۸۰ ق.م) که او را پدر علم طب نیز نامیده‌اند، سوگندنامه‌ی معروف خود را تنظیم نمود. بقراط اولین کسی بود که مبانی اخلاقی را در قالب قسم‌نامه با طبابت در آمیخت و به‌عبارتی، بزرگ‌ترین سهم بقراط در زمینه‌ی پزشکی، اعتقاد او به اصول اخلاقی بود که سوگندنامه‌ی معروفش تبلور آن است. سوگندنامه‌ی بقراط قدیمی‌ترین قوانین اخلاق پزشکی را در متن خود دارد و هنوز هم در بسیاری از کشورهای جهان به‌عنوان تعهدنامه پزشکان هنگام اتمام دوره‌ی تحصیل قرائت می‌شود (۳). سابقه‌ی پزشکی در ایران طبق برخی منابع به دوران قبل از بقراط بر می‌گردد (۴). ایران باستان هم به لحاظ دانش و هم به لحاظ دارا بودن طبیبان حاذق، زبانزد بوده و دستیابی به ترقیات پزشکی آشوریان، بابلیان و یونانیان طی قرون متمادی نیز نقش عمده‌ای در پیشرفت پزشکی در ایران باستان داشته است. در ایران، در دوره‌ی قبل از اسلام، قوانین زیادی راجع به طبیب و طبابت در اوستا وجود داشته و چنین به‌نظر می‌رسد در زمانی که سایر ممالک فاقد تشکیلات طبی بودند، در ایران درباره‌ی بهداشت و حقوق اطبا و بیطارها (دام‌پزشکان) دستورالعمل‌های دقیقی ارائه شده است (۵). از قدیمی‌ترین روزگاران، امر طبابت در ایران با دیانت توأم بوده است. طب باستانی ایرانی با آیین زرتشت و تعلیمات اوستا پیوند جدایی‌ناپذیری داشته است. به طور کلی، پزشکان از طبقه‌ی روحانیون که عالی‌ترین طبقه از طبقات چهارگانه (روحانیون- سربازان - کشاورزان و صنعتگران)، بودند انتخاب می‌شدند. این طبقه رشته‌ی الهیات و طب را همزمان

تحصیل می‌نمودند و بعد از اتمام مقدمات آن، یکی از این دو رشته را انتخاب کرده و ادامه می‌دادند. موبدان زرتشتی برحسب انجام اخلاق پزشکی که بخشی از امور دینی محسوب می‌شد، نظارت می‌کردند و رئیس پزشکان نیز فن طبابت را تحت مراقبت و کنترل داشت و در کمک به بینوایان امر می‌کرد. در بخش «وندادید» اوستا گفتارهایی در باب ویژگی‌های پزشکان آمده است. شرایط طبیب این بوده که اولاً کتب زیادی مطالعه کرده و در فن خود تجربه کافی داشته باشد، ثانیاً با صبر و حوصله به سخنان بیمار گوش فرا دهد و بیمار را با وجدانی بیدار معالجه کند و ثالثاً از خدا بترسد. در آیین زرتشت، مهارت در درمان بیماران تنها معیار یک پزشک شایسته نبود، بلکه شخصیت اخلاقی و دارا بودن وجدان در رتبه‌ای اولی‌تر قرار داشته است. زرتشتیان نسبت به اعمال خلاف چون سقط جنین، بارداری غیرمشروع و خطاهای پزشکی تعصب و حساسیت خاصی داشتند (۶).

صفات یک طبیب شایسته در عصر ساسانی این بود که دانا بوده و نسبت به اعضا بدن و داروها شناخت کامل را داشته باشد، دنیاپرست نباشد و امراض را دقیق معاینه و معالجه نماید. در باب نخست کلیله و دمنه برخی از صفات طبیب خوب شمرده شده است از جمله: فاضل‌ترین اطبا آن است که به معالجت از جهت ذخیره‌ی آخرت مواظبت نماید. به صواب آن لایق‌تر که بر معالجت مواظبت نمایی و بدان التفات نکنی که مردمان قدر طبیب ندانند (۷).

ب- نگاهی به تاریخچه‌ی اخلاق پزشکی دوران اسلام و پس از آن:

علم اخلاق و فلسفه آن از نظر اسلام یکی از مهم‌ترین و والاترین علوم است و این حقیقت در آیات و احادیث مختلف متبلور است. خداوند متعال در یکی از آیات قرآن «پیامبر را به سبب اخلاق نیکویش می‌ستاید»^۱. و در آیه‌ی دیگر «خلق زیبای پیامبر را اساس تشکیل جامعه‌ی اسلامی

^۱ سوره قلم، آیه ۴

معرفی می‌نماید^۱. همچنین اخلاق نیک را موجب آموزش گناهان قرار می‌دهد و بهترین اعمال در ترازوی قیامت را حسن خلق معرفی می‌فرماید (۸). رسول اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» من جهت تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام» (۹).

در تمدن اسلامی، اخلاق پزشکی تحت تعالیم عالیه‌ی دین مبین اسلام، از درخشش والایی برخوردار گردیده است، زیرا که آیین مقدس اسلام به دانش و حرفه‌ی پزشکی بسیار بها داده است، به‌طوری که دانش پزشکی را معادل و هم‌تراز دانش دینی قرار داده است و در روایات اسلامی شغل و دانش پزشکی در کنار علوم الهی عنوان شده است. از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است که فرمودند: «العلم علما علم‌الادیان و علم‌الابدان» (۱۰) و همچنین از امام صادق (ع) نیز نقل شده است که حرفه‌ی پزشکی را هم یکی از سه نیاز اساسی جوامع بشری به حساب آورده است و می‌فرماید: «اهل هیچ سرزمینی از وجود سه طایفه که در کار دنیا و آخرتشان به آنان پناه برده می‌شود بی‌نیاز نیستند و اگر آن‌ها را نداشته باشند بی بهره و سرگردان می‌شوند، این طایفه عبارتند از: فقیه دانشمند پرهیزکار و زمامدار نیکوکار مورد اطاعت و پزشک ماهر مورد اعتماد» (۱۱).

اگر چه تقریباً همه اقوام از دیرباز به اخلاق پزشکی معتقد بوده‌اند ولی هر کدام منشأ ضرورت آن را به نحو خاصی توجیه می‌نمایند. اما در فرهنگ اسلام، پزشک از دو جهت ملزم به کسب فضایل اخلاقی است: اولاً این که خود یک انسان است و ثانیاً موضوع شغل او حیات و سلامت و حیثیت آدمیان است. گرچه وجه اول بین پزشک و غیرپزشک مشترک است، اما در مورد وجه دوم، یعنی سروکار داشتن با جان و سلامت و ناموس هم‌نوعان، منحصر به فرد است، زیرا که خدمت صحیح او موجب حفظ جان‌ها و سلامت افراد جامعه است و خدای ناکرده سهل انگاری یا تبعیت او از

هوای نفس (شهوت، پول، شهرت و...) یا موجب نقص، تداوم امراض و در نهایت هلاکت انسان‌ها می‌گردد یا هتک حرمت ناموس جامعه را به دنبال خواهد داشت.

در زمینه‌ی مقررات پزشکی و روابط پزشک و بیمار رهنمودهای سازنده‌ی زیادی در کلمات پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) وجود دارد. بر همین اساس نیز اغلب کتاب‌هایی که توسط پزشکان و دانشمندان اسلامی در زمینه‌ی تاریخ یا علوم پزشکی نگارش گردیده است، از اندرزها، پندها و توصیه‌های اخلاقی در خصوص پزشکان خالی نیستند و برخی از پزشکان نامی اسلام به موازات کتاب‌هایی که در رشته‌های علوم پزشکی نوشته‌اند، از نگارش کتاب‌های مستقل در خصوص اخلاق عمومی و اخلاق پزشکی هم غفلت نورزیده‌اند. چنان‌که محمد زکریای رازی، یکی از بزرگ‌ترین پزشکان جهان اسلام، کتابی به نام «الطب الروحانی» دارد که در آن به بیان اصول علم اخلاق پرداخته است، حتی در رساله‌ای برای یکی از شاگردان خود که به سمت طبیب مخصوص یکی از امرا معین شده بود، رعایت اصول اخلاقی مخصوص به طبیب را توصیه نموده است (۱۲). ابوعلی سینا، از حکمای اسلامی، نیز کتابی به نام «فی علم الاخلاق» دارد (۱۳). مقال چهارم از کتاب چهار مقاله‌ی نظامی عروضی به «علم طب و هدایت طبیب» اختصاص دارد، مثلاً می‌گوید: «طبیب باید که نیکو اعتقاد بود و امر و نهی شرع را معظم دارد» (۱۴). همچنین کتابی را به نام «راهنمای پزشکان» که بنا به گفته‌ی محققان، حاوی نکات اخلاقی بسیار ارزنده‌ای هم بوده است به اسحاق نامی از معاصران رازی نسبت داده‌اند (۱۵). در این زمینه سوگندنامه و پندنامه‌ی قدیمی در دوران تمدن اسلامی، توسط پزشک نامی قرن چهارم هجری، علی بن عباس اهوازی، تألیف شده است. او در محضر استادی چون ابوماهر و در مکتب طبی وی تحصیل علم و اخلاق نمود و برای استادش شاگردی خلف و شایسته بوده است. اهوازی باب دوم کتاب ارزشمندش (کامل الصناعات الطبیعه) را به ذکر وصایای بقراط و سایر اطباء متقدم اختصاص داد که به

^۱ سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

با چه معیاری می‌توانیم عملی را اخلاقی بدانیم و یا آن را از دایره‌ی افعال اخلاقی خارج تلقی کنیم. مثلاً اگر کسی در کار و کسب خود با مراجعه‌کنندگان با صداقت رفتار کرد آیا این صداقت همیشه فعل اخلاقی است؟ یا مشروط به شرایط دیگر است؟ این بحث از مباحث جدی در فلسفه‌ی اخلاق است، اما به‌طور خلاصه بر طبق نظریه‌ی استاد مطهری یکی از دو ملاک زیر را می‌توان به‌عنوان شرط عمل اخلاقی به حساب آورد:

اول رضایت خدا/وند: یعنی اگر انسان کاری را انجام دهد، هدف او در انجام این کار، کسب رضایت الهی باشد. به این معنی که ملاک ارزش عمل خود را مشروط به امور مادی نکند، این کار دارای ارزش اخلاقی خواهد بود. بنابراین، اگر کسی به قصد رضایت الهی دروغ نگوید و به دیگران کمک کند و امثال این امور، این فرد بر اساس ملاک‌های اخلاقی رفتار کرده است.

دوم وجدان/انسانی: اگر انسانی بر فرض خدا را قبول نداشته باشد و رضایت الهی مد نظر او نباشد ولی در عین حال ارزش کار خود را مشروط به امور مادی نکند، بلکه به‌خاطر وجدان انسانی کاری را انجام دهد، این عمل هم اخلاقی است. بنابراین، اگر کسی به انسان درمانده‌ای کمک کند یا صداقت داشته باشد تا وجدان خود را آرام کند این عمل اخلاقی خواهد بود. اما اگر این کمک کردن یا راست گفتن در ازای امور مادی باشد، مثلاً راست بگوید تا او هم راست بگوید و او را فریب ندهد یا در موقع اضطرار او هم به کمک بیاید، این عمل اخلاقی نیست، بلکه یک عمل تاجرانه و معامله‌ای است. جمله‌ی معروف امام حسین (ع) که در روز عاشورا فرمودند که «اگر دین ندارید در دنیا آزاد مرد باشید» بیان‌کننده‌ی ملاک فعل اخلاقی است که انسان حتی با افکار غیرالهی هم می‌تواند اخلاق داشته باشد.

بدون شک پشتوانه‌ی رضایت الهی در امور اخلاقی بسیار قوی‌تر و کارآمدتر از وجدان انسانی است و حال با توجه به آنچه گفته شد در حرفه‌ی پزشکی زمینه‌های بروز فعل

پندنامه‌ی اهوایی معروف است. در این پندنامه آمده است: «هرکه بخواهد پزشک دانشمندی گردد، باید از پندهای بقراط حکیم که در زمان خود برای پزشکان گفته، پیروی کند. نخستین موعظت آن است که ستایش پروردگار و فرمانبرداری خداوند عزوجل را به‌جای آرید و پس از آن استادان خود را بزرگ دارید و در خدمت و سپاسگزاری و گرامی داشتن آنان همت گمارید. پزشک باید پاک و با کیش و خداپرست و نیکو روش باشد و از هر ناپاکی و پلیدی و گناه دوری جوید. نسبت به زنان چه بانو و چه کنیز نباید از نظر بد نگاه کند. طبیب باید راز بیماران را محفوظ دارد و از افشاء سر آن‌ها به خودی و بیگانه و نزدیکان و دوران، دوری جوید، چرا که بسیاری از بیماران، بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می‌دارند، ولی آن را به طبیب می‌گویند، پس طبیب باید از خود بیمار در کتمان بیماری بیش‌تر دقت کند. بر پزشک است که درجمع احوال، آنچه که بقراط حکیم فرموده، رفتار نماید و رحیم و پاک‌چشم و مهربان و خیررسا و خوش زبان باشد و در درمان بیماران به‌خصوص مسکینان و فقرا به جد بکوشد. در فکر سود و اجرت از این دسته نبوده، بلکه اگر ممکن شود دارو را از کیسه‌ی خود به آن‌ها بدهد و اگر این کار ممکن نگردد، به درمان آن‌ها پرداخته، شب و روز به بالین‌شان حاضر شود، مخصوصاً اگر بیماری آن‌ها حاد و تند باشد، زیرا که بیماری‌های حاد، زود تغییر و دگرگونی پیدا کنند... و از مردمان پست و سفله مانع شوید که این علم شریف (پزشکی) را فرانگیرند...» (۱۶).

پیامبر گرامی می‌فرماید: هر که طب نداند و طبابت کند ضامن است. اجازه‌نامه‌ی طبابت در حکومت اسلامی از قرن سوم مرسوم بوده و طبیبی حق طبابت و جراحی داشته که قبلاً در بیمارستان جندی شاپور یا نزد پزشکان معروف و سرشناس کار کرده بود (۱۴).

معیار فعل اخلاقی از نظر اسلام و کاربرد آن در اخلاق

پزشکی

یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه‌ی اخلاق این است که ما

اخلاقی نسبت به سایر حرفه‌ها بسیار فراهم‌تر است، زیرا جامعه‌ی پزشکی همیشه در شرایط بحرانی و نامساعد مراجعه‌کنندگان با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند. بنابراین، زمینه‌های کمک و همکاری و صداقت و پارسایی برای آنان مهیاتر است و حتی اگر پزشکی معتقد به خدا هم نباشد، زمینه‌های اخلاقی برای او وجود دارد و چقدر زیباست که یک پزشک مسلمان همیشه در افعال خود خدا را در نظر داشته باشد تا علاوه بر این‌که از نظر اخلاقی وجدان خود را آرام نگه می‌دارد، در جهت کسب معنویت نیز گام بردارد و در جهت کمال و سیر و سلوک معنوی حرکت کند. این توفیقی است که خداوند برای جامعه‌ی پزشکی فراهم کرده است (۱۷).

اسلام به بیماری و سلامتی به‌عنوان ابزارهایی برای کسب معنویت توجه می‌کند. لذا از نظر ارزش‌های معنوی هیچ‌کدام دارای ارزش ذاتی نیست. اگر انسان از بیماری استفاده‌ی معنوی کند بیماری دارای ارزش می‌شود و اگر از سلامتی در جهت کسب رضایت الهی بهره‌مند گردد، سلامتی وسیله‌ی شکرگزاری به درگاه الهی خواهد بود.

امام سجاد (ع) در مناجات‌های خود با خداوند به درگاه الهی عرضه می‌دارند که: «خدایا من نمی‌دانم کدام حالت شایسته‌تر برای شکرگزاری است هنگام صحت که توان استفاده از روزی پاک تو را دارم یا هنگام بیماری که وسیله‌ی رهایی من از گناهان است» (۱۸). این مناجات در واقع نحوه‌ی برخورد با بیماری و سلامتی و میزان ارزش معنوی آن‌ها را به انسان می‌آموزد. در روایات اسلامی نیز به این مسأله بسیار توجه شده است. پیامبر فرمودند: «هیچ مرد و زن مؤمن و مسلمانی مریض نمی‌شود مگر این‌که خداوند به سبب آن بیماری گناهان او را می‌بخشد».

بنابراین، درد و رنجی که انسان در بیماری می‌کشد بی‌اجر نزد خداوند نمی‌ماند و نیز در روایت مشترکی از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) آمده است که «بیدار ماندن یک شب از شدت مریضی و درد، از عبادت یک‌سال افضل است». وقتی نگاه اسلام به بیماری همراه با ارزش معنوی باشد، قطعاً

عیادت مریض هم دارای ارزش خواهد بود. پیامبر (ص) فرمودند: «عیادت‌کننده‌ی مریض در رحمت الهی غوطه‌ور است». بنابراین، وقتی جامعه‌ی پزشکی به درمان بیماری می‌پردازد، کاری الهی می‌کند و لازم است که هم دقت در کار خود داشته باشند و هم تقوای الهی را مراعات کنند تا آن ارزش معنوی را تکمیل کنند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «هرکس به طبابت می‌پردازد باید مراعات تقوای الهی را بنماید و تلاش و کوشش خود را به‌کار گیرد.» لزوم رعایت تقوی هم به‌خاطر دقت در طبابت و الهی شدن کار طبابت است و هم به‌خاطر ارزش معنوی که در بیماری و سلامت وجود دارد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «هرکس انسانی را زنده نماید گویا به همه‌ی انسان‌ها حیات بخشیده است»^۱ اطلاق آیه‌ی شریفه که شامل حیات جسمانی و مادی هم می‌شود جنبه‌ی الهی و ماوراء طبیعی کار پزشک را بیان می‌کند. خصوصاً با توجه به این‌که بسیاری از اسرار خلقت بر انسان پوشیده است و علیرغم پیش‌بینی‌های پزشک، در مسیر درمان و معالجه‌ی بیمار مسائلی اتفاق می‌افتد که باعث می‌شود انسان به عظمت خداوند پی ببرد. در روایات اسلامی این نکته نیز آمده است که کار طبابت را خود خداوند انجام می‌دهد و طبیب واقعی خود اوست. پیامبر گرامی اسلام (ص) خطاب به فرد پزشکی فرمودند: «خداوند طبیب است و تو رفیق مهربان هستی». امام علی (ع) می‌فرمایند: «سلامتی برترین نعمت‌هاست» (۱۹)، و پزشک این نعمت بزرگ را به بیمار بر می‌گرداند. بنابراین، ارزش حرفه‌ی پزشکی از نظر اسلام تابع ارزش سلامتی از نظر اسلام است.

رازی می‌گوید: پزشک باید همیشه بیمار را به بهبودی امیدوار سازد، اگرچه خود پزشک هم در این مورد کاملاً مطمئن نباشد. همان‌طور که خوشحالی و بدحالی ذهنی و روحی در حالت جسمی مؤثر واقع می‌شوند، پزشک هم باید بیمار را شهادت حیات بخشد (۲۰). ابن‌سینا نیز می‌گوید: «پزشک هرگز نباید چنین حالتی به‌وجود بیاورد که دیگر

^۱ سوره‌ی مائده، آیه ۳۲

بنابراین، یک پزشک باید با توجه به اهمیت شغلی و موقعیت اجتماعی خویش نسبت به تعدیل و کنترل رفتارش بیش از دیگران اهتمام ورزد و برای کامل ساختن خود از حیث اخلاقی بر دیگران سبقت جوید. پس پزشکی که برای انسانیت آدمی ارزش قائل است و طالب شخصیت اجتماعی و سعادت آخرت خود است، باید به اخلاقیات این حرفه پایبند باشد و اهمیت این‌گونه مباحث را کم‌تر از مباحث تخصصی خود نپندارد، چون پر واضح است که ضرر یک پزشک سهل‌انگار، شهرت‌طلب و طالب هوای نفس، اگر بیش‌تر از ضرر یک پزشک محروم از تبحر لازم نباشد، قطعاً کمتر نخواهد بود.

لذا با توجه به این‌که هدف انسان در فرهنگ اسلامی تقرب به خداوند است، افعال اخلاقی، اساسی‌ترین راه وصول به این مقصد هستند. و رعایت معیارهای اخلاقی در پزشکی بسان خلعتی خواهد بود که پوشیدن آن زینده‌ی قامت همگی اطبا است.

نسبت به بیمار امید بهبودی وجود ندارد.» (۲۱).

هدف انسان در فرهنگ اسلامی تقرب به خداوند است و افعال اخلاقی، اساسی‌ترین راه وصول به این اهداف هستند.^۱ و رعایت معیارهای اخلاقی در پزشکی بسان خلعتی خواهد بود که پوشیدن آن زینده‌ی قامت همگی اطباست (۱۵).

بحث و نتیجه‌گیری

علم اخلاق در حرفه‌ی پزشکی، اهمیت و نقش اساسی دارد. این علم که باید‌ها و نبایدهای اخلاق پزشک را به او گوشزد می‌کند و شیوه‌ی رفتار با بیماران و همکاران را به او می‌آموزد، از مهم‌ترین بخش‌های علم و تعهد پزشکی به‌شمار می‌رود. حقیقت آن است که در گذشته، طبیبان افزون برداشتن درجات بالای علمی، از مقام و منزلتی روحانی و اخلاقی نیز بهره‌مند بودند، و التزام آنان به اخلاق و معنویات کامل‌تر بود و در حفظ مبانی و ارزش‌های اخلاقی بسیار می‌کوشیدند. هم‌چنین آنان هم از جهت علمی و هم از نظر عملی، الگویی شایسته برای مردم به‌شمار می‌رفتند و مانند پیشوایان دینی همواره مردم را به نیکی، راستی، پاکی و نجابت، راهنمایی می‌کردند.

امروزه، از نظر علمی ثابت شده است که روحیه‌ی قوی و شاد در بیمار، تأثیر مهمی در درمان او و سیر سریع بهبودی او دارد. هم‌چنین یکی از بهترین راه‌های درمان روحی و روانی در اسلام، ذکر و یاد خداست «الا بذكر الله تطمئن القلوب» که شایسته است هم پزشک و هم بیمار به زبان او را یاد کنند و هم با قلب و دل، توجه کامل به خداوند متعال داشته باشند و با تداوم این حالت، می‌توانند با خداوند انس بگیرند و قلب را از آفات دور سازند. در این حالت، انسان با هوشیاری کامل، خداوند را بر تمامی کارهایش ناظر می‌بیند، که سهم مؤثری در سلامت نفسانی و بهداشت روانی فرد دارد و انسان را از ترس به امنیت، از اضطراب و بی‌تابی به آرامش و از هراس به اطمینان حرکت می‌دهد.

^۱ سوره‌ی شمس، آیه‌های ۱۰ و ۹

منابع

- ۱- احمدی ک. اخلاق پزشکی. تهران: فرهنگ فردا؛ ۱۳۸۷، ص ۳-۳۷.
- ۲- اشرفی م. اخلاق پزشکی. تبریز: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی تبریز؛ ۱۳۶۷، ص ۲۱.
- ۳- محبی ا. تاریخ طب در دوره آل بویه. تبریز: احرار؛ ۱۳۷۷، ص ۵۷.
- ۴- الگود س. تاریخ پزشکی ایران و سرزمین خلافت شرقی. ترجمه ی فرقانی ب، روحانی م ح. تهران: امیرکبیر؛ ۱۳۸۷، ص ۲۵.
- ۵- مالی ی. تاریخچه اخلاق پزشکی در ایران باستان. ماهنامه فروهر ۱۳۸۸؛ شماره ۴۳۳: ۶.
- ۶- میاننداری ح، اخلاق پزشکی در آیین اسلام. خلاصه مقالات اولین کنگره بین المللی اخلاق پزشکی؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی؛ ۱۳۷۳، ص ۱۵۶.
- ۷- نصرالله منشی ن. کلیلہ و دمنہ. به تصحیح حسن زاده آملی ح. تهران: امیرکبیر؛ ۱۳۸۵، ص ۹۸.
- ۸- کلینی ی. اصول کافی. ترجمه ی آیت اللهی س م. تهران: جهان آرا؛ ۱۳۸۷، جلد دوم، ص ۹۹-۱۰۰.
- ۹- قمی ع. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار. تهران: کوثر ادب؛ ۱۳۸۷، ص ۴۱۱.
- ۱۰- مرتضی عاملی ج. آداب طب و پزشکی در اسلام. ترجمه ی راشدی ت. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۱۳۸۱، ص ۸۷.
- ۱۱- ابن شعبه ح. تحف العقول عن آل الرسول (ص). ترجمه ی جنتی ا. تهران: امیرکبیر؛ ۱۳۸۴، ص ۵۱۴.
- ۱۲- زکریای رازی م. طب روحانی. ترجمه ی ایرانی ا، مختارپور ع، اذکائی پ. تهران: اهل قلم؛ ۱۳۸۳، ص ۵۸.
- ۱۳- صفا ذ. سرگذشت و تالیفات و اشعار و آراء ابن سینا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ ۱۳۸۴، ص ۷.
- ۱۴- نظامی عروضی ا. چهار مقاله. ترجمه ی احمدنژاد ک، محسنی هنجنی ف. تهران: زوار؛ ۱۳۸۱، ص ۹۸.
- ۱۵- ماه وان ا، اخلاق پزشکی در ادوار تاریخی. مجموعه مقالات اخلاق پزشکی، ج اول، اولین کنگره بین المللی اخلاق پزشکی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی؛ ۱۳۷۳، ص ۱۵ و ۹.
- ۱۶- مجوسی اهوازی ع. پندنامه اهوازی. به اهتمام نجم آبادی م. تهران: دانشگاه تهران؛ ۱۳۳۴، ص ۶۸ و ۲۵.
- ۱۷- مطهری م. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا؛ ۱۳۸۷، ص ۱۸۷.
- ۱۸- فاضل ج. صحیفه کامله سجادیه. تهران: نگارستان کتاب؛ ۱۳۸۱، ص ۴۲۵.
- ۱۹- محمدی ری شهری م. میزان الحکمه. ترجمه ی شیخی ح ر. قم: دار الحديث؛ ۱۳۸۵.
- ۲۰- رازی ا، صمدی راد ب. اخلاق، تاریخ و قوانین حرفه ی پزشکی. تبریز: اختر؛ ۱۳۸۵، ص ۹۵.
- ۲۱- نورمحمدی غ. متون اسلامی. ویژه رشته های علوم پزشکی. تهران: دفتر نشر معارف؛ ۱۳۸۱، ص ۶۸.